

محمد باعزم

گفتمان خوداستنادی قرآن کریم در اندیشه آن- سیلوی بوالیو

(معرفی کتاب *Le Coran par lui-même*)

۱۳۲-۱۲۵

چکیده: خوداستنادی، گفتمانی است که در سال‌های اخیر از جانب پژوهشگران غرب در مواجهه با قرآن کریم به منظور یافتن معنای واژگان قرآنی کاربردی یافته و بدین معنا است که قرآن در ارائه معنای واژگان خود، به خود، استناد کرده و ارجاع می‌دهد. کتاب قرآن به روایت قرآن (Le Coran par lui-même) حاصل پژوهشی نوین در معناکاوی واژگان قرآن کریم به قلم خانم آن - سیلوی بوالیو به زبان فرانسوی است. مولف در این کتاب تلاش کرده تا با نقد روش ایزوتسو و دانیل مادیگان در دریافت معنای واژگان قرآنی، به ارائه متدی جدید در تعامل و مواجهه با قرآن کریم بپردازد. بدین منظور نویسنده کتاب بر اساس اهمیت و بسامد فراوان و پرتکرار واژه «کتاب» در قرآن کریم، تحقیقات خویش را بر ارائه معنای این واژه بر اساس الگوی خوداستنادی بنا نهاده است. سؤال اصلی این تحقیق معنای واژه «کتاب» در کاربردی قرآنی است و هدف آن ارائه مدل و روش مؤلف در دریافت و استنباط معنای واژه «کتاب» است.

کلمات کلیدی: واژه «کتاب»، خوداستنادی، قرآن به روایت قرآن، دانیل مادیگان، گفتمان خوداستنادی

— The Discourse of Self-Citation of the Holy Qur'an in its Thought -- Sylvie Boisliveau (A Review on *Le Coran par lui-même*)

By: Muhammad Bā'azm

Abstract: Self-citation is a discourse that has been used by western scholars in recent years to encounter the Holy Qur'an in order to find the meaning of the Qur'anic words. It means that in order to present the meaning of its vocabulary, the Qur'an refers to itself. *The Qur'an Narrated by the Qur'an (Le Coran par lui-même)*, by Anne Sylvie Boisliveau, is the result of a new research in finding the meaning of the words of the Qur'an and is written in French. The author of the book has tried to present a new method of interaction with the Qur'an by criticizing Izutso and Daniel Madigan's method in obtaining the meaning of the Qur'an vocabulary. Regarding this, she has based her research on presenting the meaning of the word «book» using the self-citation model due to the importance and high frequency of this term. The main question of this research is the meaning of the word «book» in the Qur'anic application, and its purpose is to provide the model and method of the author in receiving and inferring the meaning of the word «book».

Key words: The term «book», self-citation, *The Qur'an Narrated by the Qur'an*, Daniel Madigan, the discourse of self-citation

الدلالة الذاتية هي المقولة التي وجدت طريقها في السنوات الأخيرة إلى بحوث المحققين الغربيين عند مطالعتهم للقرآن الكريم وبجهم عن معاني المفردات القرآنية. ومفهوم هذه المقولة باختصار هو اكتفاء القرآن الكريم في بيان معاني مفرداته على الاستناد على نصوصه وإرجاع القارئ إليها.

ويأتي كتاب القرآن برواية القرآن (Le Coran par lui-même) ثمرةً لتحقيق حديث في استخراج معاني مفردات القرآن الكريم، من تأليف السيدة آن سيلوي بواليو باللغة الفرنسية.

سعت المؤلفة في هذا الكتاب ومن خلال نقدها لطريقة إيزوتسو ودانييل ماديجان في فهم معاني المفردات القرآنية إلى تقديم أسلوب جديد في مطالعة القرآن الكريم والتفاعل معه.

وفي سياق هذا الهدف ركزت المؤلفة تحقيقاتها في هذا الكتاب، وانطلاقاً من أهمية مفردة (الكتاب) وغزارة تكرارها في القرآن الكريم، على تقديم معنى لهذه المفردة استناداً إلى مقولة الدلالة الذاتية.

أما هذا المقال فالمسألة الأصلية فيه تتمثل في الوصول إلى معنى مفردة (الكتاب) في الاستخدام القرآني، للوصول من خلال ذلك إلى بيان طريقة وأسلوب المؤلف في فهم واستنباط معنى مفردة (الكتاب).

المفردات الأساسية: مفردة (الكتاب)، الدلالة الذاتية، القرآن برواية القرآن، دانييل ماديجان، مقولة الدلالة الذاتية.

گفتمان خوداستنادی قرآن کریم در اندیشه آن - سیلوی بوالیو

محمد باعزم

(معرفی کتاب *Le Coran par lui-même*)

اشاره

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که مورد قرآن پژوهی مستشرقان قرار گرفته و آن را به گونه‌ای مفصل بررسی و درباره آن بحث کرده‌اند، مفهوم‌شناسی یا معناکاوی واژه «کتاب» در کاربردهای قرآنی است که البته در بسیاری از موارد به نتیجه‌ای یکسان و مشترک دست نیافته‌اند. می‌توان گفت که یکی از دلایل اساسی که الگو و نظام فکری آنان را با مسلمانان در این حوزه پژوهشی متفاوت می‌کند، این است که نگاه بیشتر آنان به قرآن کریم نگاه وحیانی و آسمانی نبوده (مانند نگاه ایزوتسو) و در پاره‌ای از موارد هم که این ویژگی یا لقب را برای قرآن به کار برده‌اند، از باب مماشات با مسلمانان بوده، نه آنکه از روی ایمان و اعتقاد قلبی خویش اظهار نظر کرده باشند (مانند نگاه مادیگان) و از همین رو در داوری‌های خود در باب استعمالات واژه «کتاب» برای خداوند که نازل‌کننده قرآن و این کتاب آسمانی است، نقشی قائل نشده‌اند. به سخن دیگر، پیامبر را در امر جابجایی آیات قرآن و جمع و تدوین آن کاملاً مستقل از دستور پروردگار در نظر گرفته‌اند و در زمینه خلقت و سرنوشت آدمیان قائل به جبر شده‌اند و گاهی به انکار وجود لوح محفوظ و منبع اصلی وحی پرداخته‌اند.

از میانه قرن بیستم، تحولی عظیم در پژوهش‌ها و رهیافت‌های قرآنی در غرب رخ داد که حاصل آن پیشرفت چشمگیر تفسیر تورات و نظریه‌های ادبی بود. مطالعات اخیر در این حوزه را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم‌بندی نمود:

گروه اول به تاریخ قرآن، نحوه جمع‌آوری و نگارش آن می‌پردازد.

گروه دوم در صدد است تا در پرتو علوم انسانی به بازخوانی و بررسی نقادانه قرآن پرداخته و بدین ترتیب دریابد که این کتاب آسمانی چگونه خود را معرفی می‌کند.

در سال ۲۰۱۴ کتاب قرآن به روایت قرآن^۱ نوشته خانم آن - سیلوی بوالیو^۲ به زبان فرانسوی در انتشارات بریل چاپ شد. بوالیو صاحب دانشنامه دکتری اسلام‌شناسی (مطالعات عربی) از دانشگاه آکس - مارسلی و پژوهشگر موسسه تحقیقات و پژوهش‌های جهان عرب و اسلام واقع در آکس آن پروانس است. وی استاد دانشگاه گرونینگن، متخصص مطالعات قرآن و اسلام، تاریخ صدر اسلام، متون مقدس، نقد متون و زبان عربی است. میزان علاقه وی به زبان عربی در کلام خودش در مصاحبه‌های مختلفی که انجام داده است گویای اهمیت این دانش در نگاه مؤلف است.

بخشی از اثر حاضر برگرفته از رساله دکتری مؤلف و جلد اول از مطالعه گفتمان خوداستنادی در قرآن

1. Le Coran par lui-même

2. Anne-Sylvie Boisliveau

کریم است که در سال ۲۰۱۰م با درجه عالی از آن دفاع شد. وی در این اثر قصد دارد تا با بررسی عمیق و موشکافانه کلام خودارجاعی قرآن، مطالعات موجود درباره این کتاب آسمانی را کامل کند و اثری کارآمد را در اختیار جامعه دانشگاهی و نیز علاقه‌مندان به این حوزه قرار دهد. این کتاب تلاشی نقادانه در روش معناشناسی قرآنی بر اساس دیدگاه نسبیت زبانی ایزوتسو است. وی در این پژوهش تلاش کرده تا با ارائه روشی مغایر با روش توشیهوایزوتسو^۳ و دانیل مادیگان^۴ به شیوه‌ای دست یابد تا با مراجعه به قرآن کریم، بر اساس الگوی خوداستنادی، معنای واژگان قرآن را ارائه کند. این کتاب در سال ۱۳۹۳ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد. از جمله مواردی که بر اهمیت این تحقیق اضافه می‌کند، نگارش کتاب به زبان فرانسوی، برگردان نشدن به زبان فارسی و چهره علمی نویسنده کتاب به عنوان جدیدترین نظریه پرداز در دریافت معنای واژگان قرآن کریم بر مبنای خوداستنادی است.

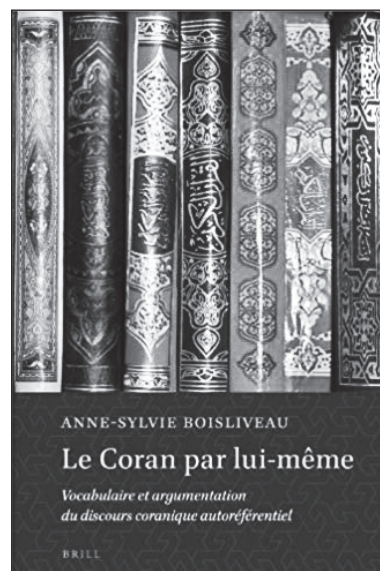
برای پی بردن به مراد قرآن از واژه «کتاب» در آیات وحی، بررسی تمام واژگانی که «کتاب» همراه آنها استعمال شده ضرورت دارد. در مقدمه این کتاب به قلم اشتفان ویلد که خود از پژوهشگران و تأثیرگذاران گفتمان خوداستنادی در قرآن کریم است آمده:

مطالعه خودارجاعی یک متن، روشی خاص برای بررسی موشکافانه آن است. قرآن را باید خودارجاعی ترین متن در میان بزرگترین کتاب‌های بشریت دانست. دنیل آ. مادیگان به خوبی کتاب مقدس مسلمانان را توصیف نموده است: «قرآن خودش و درباره خودش است». اثر آن - سیلوی بوالیو که با نام قرآن به روایت قرآن پا به عرصه علم نهاده است، برای نخستین بار به گونه‌ای نظام مند و عمیق این پدیده خاص را بررسی می‌کند.

در واقع قرآن معمار تصویر خویش است و آیات فراوانی را می‌توان یافت که در آن قرآن از خود سخن می‌گوید (Sylvie Boisliveau, ۲۰۱۳, p ۱۷).

آنچه نویسنده درباره سابقه پژوهش خویش بیان می‌کند آن است که پس از تحقیق و تفحص در بخش مربوط به اسلام و قرآن، در یک کتابخانه عمومی پاریس در سال ۲۰۰۸ این سؤال برای وی ایجاد می‌شود که قرآن چگونه تعریف شده است. وی با مطالعه قرآن دریافته است که قرآن خوب و بد را توضیح می‌دهد. همه مردم می‌توانند قرآن را به عنوان یک کتاب حکمت الهی بفهمند، چراکه توصیفات آن درباره داوری و کمال معنوی، بسیار هوشمندانه و آسان است. قرآن بشریت را آگاه می‌کند و تمام مسلمانانی که متواضع هستند و همه حدود الهی را رعایت می‌کند را راهنمایی می‌کند (Sylvie Boisliveau, ۲۰۱۳, p ۴). وی با تأثیر از کتاب «قرآن، هویت و صفات خویش» اثر ابوشیخ که در سال ۲۰۰۳ در فرانسه چاپ شده است، معنای قرآن را از نگاه مسلمانان دریافت کرده است (همان). وی در همان زمان آثاری کهن و مذهبی را از سوریه به دست می‌آورد که از آن جمله، می‌توان به کتاب راهنمای علوم اسلامی در دانشکده شریعت دانشگاه دمشق اشاره کرد که در یک جمله قرآن را تعریف می‌کند:

قرآن گفتار خداوند است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده و در مصاحف نوشته شده است؛ یعنی کتاب قرآن به عنوان یک مادل شیئی (مابین الدفتین) منتقل شده به وسیله نسلی به نسل دیگر و لاینقطع از طریق احترام‌گذاری و تقدیس قرائت شده است و حتی یک سوره از آن را نمی‌توان تقلید کرد. (Sylvie Boisliveau, ۲۰۱۳, p ۵)



3. Toshihiko Izutsu

4. Daniel Madigan

اثر دیگری که در سطح وسیعی پخش و به فرانسوی ترجمه و در عربستان سعودی چاپ شد، کتابی با نام شناخت اسلام تألیف علی طنطاوی (میلاد ۱۹۰۹) است که به معرفی اعتقادات مسلمانان می‌پردازد. بر اساس باور نویسندگان، مسلمانان عقیده دارند که قرآن سخن خداوند و توسط جبریل بر محمد نازل شده است که همان‌گونه که آن را شنیده منتقل کرده است. مسلمانان باور دارند که محتوای کتاب که در دست ماست، تمام قرآن است. هر کسی که نمی‌داند یا شک دارد، از دایره اسلام خارج شده است. بر این اساس قرآن معجزه پیامبر است. آنچه غیرقابل تغییر است فقط به تنهایی عبارات و محتوای متافیزیکی آن نیست، بلکه جهان‌شمولی آن است که آن را شبیه یک زن زیبا نشان می‌دهد. زیبایی آن در پوست و چشم آن یا جزئی از آن نیست، بلکه آن زیبایی در تمامیت آن یافت می‌شود؛ حتی اگر هر مشاهده‌کننده قرآن ویژگی غیرقابل تغییر را از آن وجهی که او می‌بیند ببیند. پیامبر کتابی را با سبک ادبی زیبا آورده و قرآن کتابی در قله تکامل است. از نظر متافیزیکی قرآن شامل مواردی است که فکرا انسان به آن نمی‌رسد. در موضوع علوم طبیعی، قرآن قوانین و پدیده‌های ناشناسی را که حتی در ده قرن بعدی آمده نشان می‌دهد که برخی از آن قوانین پس از ۱۳۰۰ سال کشف شده و برخی هنوز ناشناخته‌اند. اما آیا قرآن خود را این‌گونه معرفی می‌کند؟

مدت‌ها قبل از خانم آن - سیلوی بوالیو به موضوع ارجاع به خود قرآن به صورت جزئی پرداخته شده است. پیش از هر چیز چند اثر با محدودیت نسبتاً کم می‌توان نام برد: مقاله آنتونی جونز با عنوان «قرآن بر اساس قرآن»، فصلی از کتاب درامدگونه از تیلما ناگل درباره قرآن در مورد نقل‌های قرآنی خودارجاعی، معرفی قرآن به وسیله محمد عبدالحلیم با عنوان قرآن خودش را شرح می‌دهد، آلفرد لوی دو پرما که فصلی را به موضوع مجادله یا مناظره درباره قرآن در قرآن در کتاب کم حجم خودش با عنوان ریشه‌های قرآن اختصاص داده، مقاله ویلیام گراهام درباره واژه قرآن و مقالات اشتفان ویلد درباره ریشه نزل و آیه ۷ سوره آل عمران، اما هیچ‌یک از این مقالات به مسئله ارجاع به خود نپرداخته‌اند. اولین کتاب در این حوزه، کتاب دانیل مادیگان است که درباره اصطلاح کتاب بحث می‌کند. او کتاب خویش را با تحلیل روابط بینی معناشناختی درباره این اصطلاح مرکزی ارجاع به خود با روشی که ایزوتسو پیشنهاد داده است تألیف کرده است.

روش‌شناسی کتاب قرآن به روایت قرآن^۵

5. Le Coran par lui-même, Vocabulaire et argumentation du discours coranique

مطالعه گفتمان خوداستنادی در قرآن کریم به تشخیص واضح میان قرآن به عنوان یک متن^۶ که نویسنده از آن به عنوان منبع بهره می‌برد و قرآن به عنوان یک موضوع توصیف شده به وسیله متن قرآنی نیاز اساسی دارد. متن قرآن شامل قرائت‌هایی است که به وسیله پیامبر انتقال یافته یا قرائت‌هایی است که خداوند به پیامبر انتقال داده است. در این پژوهش از تحریر و تقریری استفاده شده که بر این اساس، آن قرائت در سال ۱۹۲۳ میلادی توسط دانشمندان اسلامی الازهر تحت حمایت ملک فؤاد تأیید شده است. این تحریر از یکی از قرائت‌های قرآنی که در قرن دهم ثابت شده گرفته شده است. قرائت منسوب به عاصم قاری کوفی (۷۴۶م) که توسط حفص (۸۰۶م) انتقال پیدا کرده است و انتخاب این قرائت در کنار سایر قرائت‌ها اهمیت خاصی پیدا می‌کند. از منظر نویسندگان کتاب، تصحیح انتقادی متن کامل قرآنی که شامل نسخه بدل‌های قرائت‌ها و نسخه‌های خطی باشد، وجود ندارد. از طرف دیگر آنچه پیش از هر چیز قابل توجه است این است که قرآن بما هو قرآن همان‌طور که توسط جامعه مسلمان گرفته شده توجه می‌شود و متن قرآن برای بیشتر مسلمانان امروزه همانی است که از طریق عاصم به دست ما رسیده است.

بازگشت به متن

بر اساس ادعای نویسنده، پژوهش حاضر درباره شناخت متن است. آنچه از این کار پژوهشی توقع می‌رود آن است که بدون پیش‌داوری سعی کند که مؤلف یا مؤلفان متن را شناسایی کند. این تحقیق با پیش‌فرض قرائت پیامبر و نخستین مستمعین آن که صحابه نامیده می‌شوند، یک تحلیل ادبی (واژگانی) نامیده می‌شود که درباره خصوصیات متنی موضوع پژوهش می‌کند و در مقابل تحلیل تاریخی - انتقادی است که در گذشته صرفاً درباره تاریخ متن و نه خود متن تحقیق می‌شده است. بنا بر اظهار مؤلف، اندرو ریپین درباره خطراتی که انجام شده که این تحلیل متنی دور از واقعیت چیزی نیست، جز تفسیر در رتبه بسیار پایین و اندک، به صورت خاص تأکید کرده و آن را ناشی از روش ایزوله‌ای می‌داند که تا کنون بر روی قرآن انجام شده است. (ریپین، مدخل آیه) در واقع هر تحلیل ادبی چیزی جز پاسخ خواننده نیست و این معنا را افاده می‌کند که این شیوه برای درک مؤلف در فهمیدن متن تحلیل شده ارائه شده است. در این پژوهش مؤلف تلاش ویژه کرده است تا در آن توجه کافی به سیاق^۷ متن داشته باشد و برای

autoréférentiel

6. corpus

7. context

خوداستنادی معمولاً یک فرامتن است که به عنوان یک تفسیر و تحلیلی که موضوع آن مطالعه متن است شناخته می‌شود. بر اساس برخی تعریف‌های فرامتنی^۸ به تمام جنبه‌های متنی که تفسیر شده است، حتی فراتر از طبیعت متن مربوط می‌شود. بر اساس برخی دیگر از تعاریف، فرامتنیت فقط به جنبه‌های متنی، یعنی زبان شناختی مربوط است. بر این اساس است که اشتفان ویلد در مقدمه این اثر تلاش کرده تا خوداستنادی را با فرامتنی به هم شبیه سازد،^۹ اما نیکولای سینایی در پژوهشی در مقام نقد اشتفان ویلد این‌گونه می‌گوید که تعریف او در مقابل خوداستنادی است و آن در حالی است که به کاربرد تأویل یا تفسیر و ریشه و خواستگاه متن مربوط می‌شود.^{۱۰}

قرآن به قرآن یا قرآن از زبان قرآن

روش قرآن به قرآن از روش‌های مورد توجه مفسران و تفسیرپژوهان، به ویژه در سده‌های اخیر است که از رهنمودهای خود قرآن در فهم معانی و مقاصد آن استفاده می‌کند. تفسیر قرآن به قرآن دارای گستره وسیعی است که در گرایش‌ها و سبک‌های گوناگون تفسیری قابل توجه است و شیوه‌ها و انواع این تفسیر از منظرهای مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند. شیوه‌های اساسی این دو نوع تفسیر عبارتند از:

۱. شیوه متکی به روابط و پیوندهای لفظی: در این شیوه با ملاحظه واژگان و مفاهیم مشترک میان آیات و بخش‌ها و گردآوری آنها و تحلیل و تدبیر آنها می‌توان به فهم کامل تری دست یافت.

۲. شیوه متکی به روابط و پیوندهای معنوی: در این شیوه مفسر نیازمند توجه به مضامین مشترک میان آیات و تحلیل و بررسی رابطه آنهاست.

شیوه نخست مرحله لازم و نه کافی در تفسیر قرآن به قرآن است. پس این دو شیوه مکمل یکدیگر خواهند بود. در این دو شیوه رابطه آیات با یکدیگر معمولاً در گونه‌های زیر سامان می‌یابد.

اجمال و تفصیل، اجمال و تبیین (تشابه زدایی)، عموم و خصوص، اطلاق و تقید

رویکردی که در میان آثار تفسیری پیشینه‌ای کهن دارد و تفسیر قرآن به قرآن را به مثابه یکی از روش‌های تفسیر، بلکه در رتبه نخست کار تفسیر دانسته است. در این رویکرد، متن قرآن و رهنمودهای

فهم خود در مقابل قطعه‌هایی که از نظر زبانی مشکل ساز هستند و همین‌طور درباره مسائل پیشینی محسوب شده‌اند، این قاعده را رعایت کند. قرآن به عنوان یک بافت تمام متن (روح متن) یا به شکل دقیق تر مآورای متنی و به روشی متعادل بافت تاریخی، معنای واژگان در دوره و عصر، محیط فرهنگی که با زبان‌های سامی مرتبط است و در اطراف آن رابطه بینامتنیت را با متون عصر آن محیط به همراه دارد.

تعریف خوداستنادی قرآن

به اعتقاد نویسندگان معنای خوداستنادی در یک جمله قابل ذکر است: «خود استنادی یعنی قرآن راجع به خودش چه می‌گوید؟»

این مطالعه را در سه سطح می‌توان تحلیل و بررسی کرد:

۱. قرآن کریم پدیده نزول خود را چگونه توصیف می‌کند؟
۲. جایگاه خودش را از متن نازل شده چگونه تبیین می‌کند؟
۳. نقش قرآن را در زندگی مردم چگونه معرفی می‌کند؟

نویسنده بدون مراجعه به سایر منابع و صرفاً با تلاش بر روی متن قرآن تلاش کرده تا شیوه خوداستنادی را ارائه دهد. این شیوه نه برگرفته از اسباب نزول و نه به طور کلی احادیث است و جز در موارد خاص از آنها بهره‌برداری نشده است. استفاده از ابزارهای بیرونی نکته‌ای است که دقیقاً مطالعه گفتمان خوداستنادی را بر هم می‌زند و گاهی مؤلف بدان اهتمام نداشته است. بر اساس این پیش فرض پژوهش، تحقیق انجام گرفته محدودیت‌های خودش را در پی دارد. در برخی نقاط این منابع می‌توانستند معنا را روشن کنند، ولی به کار گرفته نشده‌اند، اما نویسنده در پی بیان گفتمان بدون وابستگی و مستقل که خوانش و قرائت مستقل خود را داشته، آن معانی را ارائه کرده است. در حالی که بنا بر باور مؤلف، خوانش از قرآن بر اساس این منابع می‌تواند به سادگی موضوع را تغییر دهد، از طرف دیگر استفاده از منابع اسلامی را فقط به پژوهش‌های فرهنگ لغتی محدود می‌کند. بر اساس اندیشه مؤلف مشکل فرهنگ‌های لغت این است که بعد از متن قرآنی تألیف شده‌اند و برخی از آنها از جنبه زمانی - تاریخی با متن قرآن فاصله دارند.

مؤلف اساساً تنها راه حل ممکن برای فهم معنای خواسته شده را برخورداری از خوداستنادی در مواجهه با متن می‌داند. این پژوهش به مطالعه آنچه در قرآن است پرداخته، بلکه آنچه را که قرآن می‌گوید، من آن هستم مطالعه می‌کند. در ورای این گفتمان قرآنی، گفتمان اصلی مؤلف این است: آنچه درباره قرآن در خود قرآن است و نویسنده کتاب تلاش کرده است تا آن معنا را دریابد.

8. meta Text

9. Wild, 2006, 169

10. Sinai, 2006, p109

را در دو مجموعه اصطلاحات از یکدیگر در دو بخش یک و دو تقسیم‌بندی می‌کنیم. آنچه قرآن را به مانند متن معرفی می‌کند در زیرمجموعه اول و آنچه قرآن را به عنوان یک پدیده توصیف می‌کند در مجموعه دوم قرار می‌گیرد.

واژگان خودارجاع قرآن	
مجموعه اول	مجموعه دوم
توصیف قرآن به عنوان متن	توصیف قرآن به عنوان یک پدیده
کتاب، ذکر، قرآن و آیه	وحی، هدی

بدیهی است که برخی از این اصطلاحات در هر دو گروه قرار بگیرد. برای مثال اگر قرآن خودش را به عنوان یک کلام معرفی کرده است می‌توان گفت به همان اندازه که خود را متن معرفی کرده، به همان اندازه می‌توان آن را یک پدیده ارتباطی تلقی کرد. در میان اسامی ای که در زیرمجموعه اول طبقه‌بندی شده است کتاب، ذکر، قرآن و آیه هستند. اسامی ای که در زیرمجموعه دوم قرار داده شده است شامل پدیده‌های قرآنی مانند وحی، یعنی قرآن الهام به یک پیامبر یا مفهوم هدی هستند که به قرآن به عنوان یک مسیر درست بازمی‌گردند.

روش مطالعه واژگان خوداستناد

بر اساس دیدگاه مؤلف، کشف معنا در مورد واژگان دارای دو بخش است. از یک سو به شناسایی آن شی نام گرفته شده می‌پردازد، پس بر روی متن قرآنی که در حقیقت الهاماتی که بر پیامبر شده است فعالیت می‌کند. از سویی دیگر به جستجوی معنا در میان معانی به کار گرفته شده در فضای زبانی است یا در همان دوره نزول که شامل همه دلالت‌های زمانی که با آن قابل حمل است، اشاره خواهد کرد. در بخشی از این کتاب مؤلف به صراحت بیان می‌کند:

ما از روشی که ایزوتسو و بعد از آن مادیگان از آن بهره برده‌اند استفاده نمی‌کنیم، بلکه به بررسی آن واژه در زبان در همان متنی که استفاده شده است می‌پردازیم و هرآنچه را که به ما کمک می‌کند تا در زمینه متنی می‌توان از آن بهره برد، استفاده می‌کنیم. (منشأ کلمه در آن متنی که در زمان خودش به کار رفته است مطالعه می‌کنیم).

(Sylvie Boisliveau, ۲۰۱۳, p ۲۱)

آن در رفع اجمال و بیان قیود و خصوصیات آیات، نخستین منبع تفسیر تلقی شده است، اما در رتبه پس از آن سایر منابع جایگاه خود را داشته و در مواردی که دلیلی قرآنی در تفسیر آیه ای یافت نشود، نوبت به سایر منابع می‌رسد. کسانی چون طبری و ابن تیمیه و ابن کثیر و طوسی و طبرسی از پیشینیان و شنیطی مؤلف اَضواء البیان و احمد بن عبدالرحمان القاسم مؤلف تفسیرالقرآن بالقرآن و السنة والآثار و بالأسلوب الحديث از متأخران، هر یک به نوعی به همین رویکرد تعلق دارند.

رویکرد خوداستنادی در صدد کشف معنای واژگان قرآنی از طریق معرفی خود قرآن است و می‌توان گفت که این نوع مطالعه، یک قدم عقب‌تر از مطالعه تفسیر قرآن به قرآن است؛ با این تفاوت که در شیوه مطالعه قرآن به قرآن نقش روایات تفسیری نقش کمکی در تحلیل و بررسی متن آیات و به مثابه کلیدهای تدبیر در خود قرآن تلقی می‌شود. از طرف دیگر در این رویکرد برخلاف رویکرد دوم، به انبوه روایات تفسیری توجه شده و از نقش کلیدی آنها غفلت نمی‌شود، بلکه معرفت قرآنی مفسر در پرتو آموزه‌های روایی شکوفا شده و به کمک آنها نتایجی نو و سازگار با قابلیت‌های متن قرآنی به دست می‌آید، اما در روش خوداستنادی ادعا مبتنی بر این است که از هیچ ابزار خارجی در دریافت و کشف معانی استفاده نشود.

خود استنادی، راهی برای کشف معنا

سنت اسلامی به واژگان و یا واژه‌نامه خوداستناد قرآن، توسط مفهوم اسماء القرآن از طریق اصطلاحاتی که متن قرآنی خود را این گونه می‌نامد می‌پردازد. آنچه بیشتر در سنت اسلامی به عنوان معنا برای قرآن بدان پرداخته شده است، عبارت است از قرآن، فرقان، کتاب و ذکر که البته برخی از محققین موارد بیشتری را اشاره می‌کنند.

در این پژوهش هدف در زمینه واژگان خودارجاع قرآن آن روشی که سنت اسلامی این اسماء قرآن را معرفی می‌کند نیست، بلکه در حقیقت یک تحقیق جامعی از متن قرآن در مجموعه آن است. به علاوه آنکه در حقیقت تحلیل تمام واژگان ممکن برای ارائه یک اطلاع کامل در مورد قرآن برگزیده شده است. بنابراین گزینه ما شمولیت و جامعیت در انتخاب واژگانی است که به مجموعه‌ای که به رخدادهای هر اصطلاح^{۱۱} مربوط می‌شود بازمی‌گردد و این بررسی در ارتباط با تکرار همه ریشه‌های آن اصطلاح صورت می‌پذیرد.

برای روشن‌تر شدن بحث در این بخش ما واژگان خودارجاع قرآن

11.term

اولویت بخشی به معنای واژه «کتاب»

این کتاب در ۴۳۲ صفحه و در دو بخش تدوین شده است. در بخش نخست که به خودارجاعی صریح قرآن اختصاص یافته است، شرق شناس می‌کوشد تا به تحلیل واژگانی پردازد که قرآن برای معرفی خود به کار برده است. وی ابتدا به بررسی واژه کُتَاب می‌پردازد که بیشتر به کار رفته است (۲۲۵ بار به صورت مفرد و ۶ بار به صورت جمع) در حالی که فرهنگ نویسان قدیمی این واژه را به معنای نوشته یا کتاب می‌دانند نویسنده با ذکر دلایلی این معنا را برای قرآن رد می‌کند:

دلیل اصلی این است که این معنا با معنای آیاتی که در آن واژه کُتَاب آمده است هماهنگی ندارد.

در ادامه مؤلف نشان می‌دهد که این واژه به معنای متون مقدس است:

دلیل دیگری که نشان می‌دهد که قرآن هنگامی که خود را کُتَاب می‌نامد، می‌خواهد بگوید که خود نیز متنی مقدس است، این است که با همین عبارت - کُتَاب - قرآن، متون مقدس شناخته شده عصر را نشان می‌دهد، یعنی متون مقدس یهودیان، مسیحیان و سایر ادیان آسمانی.

مسیری که مؤلف در قرآن کریم دنبال کرده، توصیف قرآن توسط خود قرآن تحت عنوان کتاب است. تمام اسماء و صفاتی که در متن قرآن استفاده می‌شود، تحت عنوان نام قرآن یا یک پدیده قرآنی، اصطلاح کتاب است که بیشتر از هر چیزی مورد استفاده قرار گرفته است. واژه کتاب ۲۵۵ بار در متن و ۶ بار به شکل جمع و حدود ۷۰ مرتبه به صراحت در قرآن مطرح شده است. در مقایسه با واژه کتاب، واژه قرآن حدود ۷۰ بار استعمال شده است. باید توجه داشت که با مطالعه قرآن، واژه «کتاب» اولین اصطلاحی است که برای تعیین و توصیف قرآن بدان برخورد می‌کنیم؛ زیرا سوره بقره با واژه «کتاب» آغاز می‌شود.

عناوین موجود در بخش‌های مختلف بر اساس ترتیب موضوعاتی که در کتاب وجود دارد انتخاب شده‌اند و مطابق سیر کتاب پیش رفته است و پس از بیان توضیحات نویسنده کتاب، در بخش‌هایی که نویسنده پایبند به ادعای خویش در مقدمه ذکر شده نبوده است یا مسیر خطایی را در استنتاج خویش پیموده است، بیان گردیده است.

نتیجه و کلام پایانی

مؤلف در پایان نتیجه می‌گیرد که هدف قرآن از ادغام عناصر فوق تنها معرفی و توصیف خود نیست. در واقع در ورای این عناصر، قرآن بر آن است «شنونده یا خواننده را مجاب کند تا علیه قرآن، قدرت مطلق، موضع‌گیری نکند و سرانجام به دستوره‌های آن به طور کامل گردن نهد». در مجموع، کتاب قرآن به روایت قرآن، واژگان و مجادلات قرآنی ناظر به خود قرآن پژوهی در خور توجه و برجسته از قرآن به دست داده است و توجه به دیدگاه‌های فرهنگ نویسان قدیمی، صلابت این اثر پژوهشی را دوچندان کرده است. این نوشتار کوششی برای معرفی آثار نوین پژوهشی درباره قرآن کریم در زبان فرانسه است و نویسنده این سطور این نوید را می‌دهد که در آینده‌ای نه چندان دور، نقد این کتاب را به چاپ خواهد رساند و پاسخی به نوشتار مؤلف خواهد داد.

کتابنامه

- Madigan, Daniel A, The Qur'ān's self-image: writing and authority in Islam's scripture, Princeton, 2001
- Sinai, Nicolai, «Qur'ānic self-referentiality as a strategy of self-authorization», in Wild, (éd.), Self-Referentiality in the Qur'ān, 2006
- Sylvie Boisliveau, Anne, Le Coran par lui-même, Leiden, 2014
- Wild, Stefan, Self-Referentiality in the Qur'ān, Wiesbaden, Harrassowitz, 2006